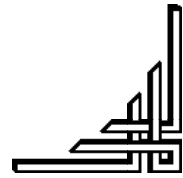


رسالہ

توضیح المسائل

فقہ اہل بیت

حضرت آیت اللہ حاج سید محمد امین رحمۃ اللہ علیہ



رساله توضیح المسائل

حضرت آیت الله حاج سید محمد امین

ناشر: مسجد جامع خاتم الانبیاء

نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۳۸۷

مرکز پخش:

تهران - تهران پارس - خیابان ۱۳۴ غربی - مسجد جامع خاتم الانبیاء

تلفن ۷۷۸۶۵۵۶۴ - ۰۹۱۲۳۵۱۹۴۲۷

کلیه حقوق محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد، و على اهل بيته الهداة المهديين الطاهرين المعصومين لاسيما اولهم مولانا اميرالمومنين و آخرهم بقية الله فى الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

رساله توضيح المسائل، مجموعه‌اى از مسائل شرعى است كه كم و بيش مورد ابتلاء عموم مى‌باشد. متن اصلى اين رساله، اول بار به امر حضرت آيت الله العظمى حاج آقا حسين بروجردى قدس سره مطابق با فتاواى ايشان توسط جمعى از فضلاء حوزه علميه قم تنظيم و تدوين شد كه در عصر خود به لحاظ جامعيت و نظم و ترتيب، با عبارات روان و ساده، به زبان فارسى بسيار ارزشمند بود و مورد استفاده و استقبال قرار گرفت.

پس از ايشان، مراجع عظام ديگر نظرات خود را در ابتداء رساله ايشان يا به صورت حاشيه و پاورقى بر آن افزودند و گاهى هم با درج فتاواى خود در متن، رساله‌اى جداگانه بدون تغييرى در متن و عبارت تدوين و انتشار دادند. اكنون با توجه به اينكه از تهيه متن اصلى بيش از پنجاه سال مى‌گذرد، رساله توضيح المسائل هم به لحاظ ادبيات و عبارات و هم به لحاظ اينكه برخى مسائل مندرج در متون سابق، ديگر امروزه چندان محل ابتلا نيست و بعضى مسائل جديد نيز مطرح مى‌باشد كه در متن قبلى نيامده است، به نظر رسيد با حفظ اصول و مباني و تبويب و ترتيب در بيشتر موارد، اصلاحاتى در موارد مختلف نياز است. از اين رو در رساله حاضر به شرح ذيل به اين امر اهتمام گرديد:

- ۱- حسب تشخيص، برخى مسائل حذف و مسائل جديد افزوده شده است.
- ۲- در مواردى، چند مساله با هم تلفيق و در قالب يك مساله جامع مطرح شده است.
- ۳- در مواردى بعضى تعبيرات و عبارات، تغيير و اصلاح شده است.
- ۴- براى انسجام و نظم بيشتر و بهتر، برخى از مسائل يا ابواب مقدم يا مؤخر شده است.
- ۵- با تهيه فهرستى از واژه‌هاى فقهى و تشریح معانى آن‌ها، فهم مطلب براى خوانندگان آسان تر شده است.
- ۶- در پايان فهرست موضوعى و نمايه‌اى از آن آمده است كه خواننده به راحتى بتواند مساله مورد نظر خود را پيدا نمايد.

احکام تقلید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسألة ۱- مسلمان مکلف باید در اصول دین دلیل عقلی یا نقلی داشته باشد و تقلید در آن جایز نیست. ولی در احکام غیر ضروری اسلام و موضوعاتی که نیاز به استنباط دارد اعم از عبادات و معاملات باید یا مجتهد باشد و خود قادر بر استنباط احکام و عناوین از روی ادلة تفصیلیه باشد، یا از مجتهد تقلید کند و طبق نظر او عمل نماید، یا مطابق احتیاط رفتار کند. به گونه‌ای که یقین پیدا کند وظیفه شرعی خود را انجام داده است. به عنوان مثال اگر بعضی مجتهدین کاری را حرام و برخی دیگر آن را حلال می‌دانند آن را ترک کند و اگر بعضی عملی را واجب و برخی دیگر آن را جایز یا مستحب می‌دانند، آن را انجام دهد. پس هر کس مجتهد نیست و نتواند احتیاط کند تقلید از مجتهد جامع الشرایط بر او واجب است.

م ۲- تقلید یعنی عمل کردن مطابق فتوای مجتهد، و رجوع به کارشناس در هر موردی مطابق حکم عقل و بناء عقلاء است و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه‌ی دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد و حریص به دنیا نباشد.

م ۳- تقلید از اعلم واجب نیست. بلکه تقلید از غیر اعلم نیز جایز است مگر در مسائلی که بدانند اختلاف فتوا وجود دارد که بنابر احتیاط باید از اعلم تقلید کند، در صورتی که فتوای اعلم خلاف احتیاط نباشد. بلکه در مورد اختلاف هم تقلید از اعلم لازم نیست، و عمل به احتیاط کافی است.

م ۴- مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

- (۱) علم وجدانی: خود انسان از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.
- (۲) بینة: دو نفر عالم عادل اهل تشخیص مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که از سوی دو عالم عادل دیگر مورد انکار قرار نگیرد.
- (۳) شیاع: جمعی از مجتهدین یا اهل تشخیص که از گفته‌ی آنان اطمینان پیدا می‌شود، اجتهاد یا اعلمیت کسی را مورد تایید قرار دهند.

م ۵- بنابر قول به وجوب تقلید از اعلم، با وجود اختلاف در فتوی. اگر مکلف نتواند اعلم را بشناسد، باید از کسی تقلید کند که گمان به اعملیت او دارد. اگر دو مجتهد از نظر علمی مساوی باشند باید به فتوای کسی عمل نماید که مطابق با احتیاط است. ولی اگر احتیاط ممکن نباشد مثل اینکه یکی فتوا به وجوب و دیگری فتوا به حرمت داده باشد یا عمل به احتیاط برایش مشقت داشته باشد، باید طبق فتوای کسی عمل کند که عدالت و تقوایش بیشتر است. اگر هر دو مجتهد از حیث فقاہت و عدالت مساوی باشند مخیر است از هر کدام بخواهد تقلید کند.

م ۶- با وجود مجتهد مطلق که در تمام ابواب فقه صاحب نظر است، تقلید از مجتهد متجزی جایز نیست.

م ۷- عدالت معتبر در مرجع تقلید و قاضی و والی، عبارت است از ملکه نفسانیه که مانع ارتکاب معاصی و موجب اهتمام به انجام واجبات و ترک محرّمات است و از طریق شیاع یا بینة یا معاشرت طولانی که سبب حصول اطمینان باشد قابل احراز است.

م ۸- وصف عدالت با ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره زائل می‌شود. چنانچه توبه نماید، و ملکه باقی باشد حکم به عدالت او می‌شود.

م ۹- فتوای مجتهد را از چهار راه می‌توان به دست آورد:

(۱) شنیدن از خود مجتهد.

(۲) شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند.

(۳) شنیدن از کسی که مورد وثوق باشد و از گفته‌ی او اطمینان پیدا شود.

(۴) دیدن در رساله در صورتی که به صحت آن اطمینان داشته باشد.

م ۱۰- تا انسان یقین نکند فتوای مجتهد عوض شده، می‌تواند به آن عمل نماید. اگر

احتمال تغییر فتوا دهد، تحقیق لازم نیست.

م ۱۱- اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا داشته باشد مقلد او نمی‌تواند در آن مسأله به

فتوای مجتهد دیگر عمل نماید. ولی اگر فتوا ندهد و احتیاط کند. اگر احتیاط واجب باشد

می‌تواند به فتوای مجتهد دیگر که در آن مورد احتیاط ندارد عمل نماید. همچنین است

جایی که مرجع تقلید انسان مسأله‌ای را محل تأمل یا مورد اشکال بداند یا به نحو احتیاط

مطلق باشد. ولی در صورتی که احتیاط مستحب باشد باید به فتوای مرجع خود عمل کند،

هرچند احتیاط را رعایت نکند.

م ۱۲- احتیاط مستحب آن است که پیش از آن یا پس از آن مجتهد فتوا داده باشد.

مثلاً بفرماید اگر ظرف نجس را یک‌بار در آب کر بشویند پاک می‌شود، اگرچه احتیاط آن

است که سه بار بشویند.

احتیاط واجب آن است که پیش از آن یا پس از آن مجتهد فتوایی در آن مورد نداده

باشد، مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم سه مرتبه تسبیحات اربعه

گفته شود.

م ۱۳- تقلید ابتدایی از مجتهد متوفی جایز نیست، ولی بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد

و باید بقاء بر تقلید میّت به فتوای مجتهد زنده باشد. اگر بدون رجوع به مجتهد حی که

بقاء بر تقلید از مجتهد متوفی را جایز می‌داند بر تقلید از متوفی باقی بماند مانند کسی

است که اعمال خود را بدون تقلید از مجتهد انجام بدهد.

م ۱۴- کسی که در مقدار قابل توجهی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده یا برای

عمل یاد گرفته است پس از فوت او می‌تواند در آن مسائل بر تقلید او باقی بماند. ولی مسائلی را که یاد نگرفته و عمل نکرده و در مسائل مستحدثه باید طبق نظر مجتهد زنده عمل نماید.

م ۱۵- اگر مکلف پس از فوت مجتهد خود به مجتهد حی رجوع کند، عدول او از حی به متوفی جایز نیست. و اگر در مسأله‌ای به فتوای مجتهد زنده عمل نماید، دوباره نمی‌تواند آن را مطابق فتوای مجتهد متوفی انجام دهد. ولی در موارد احتیاط مجتهد حی رجوع به مجتهد متوفی اشکال ندارد. مشروط به این که مدتی به احتیاط در زمان حیات مجتهد خود عمل کرده باشد.

م ۱۶- بر مکلف واجب است مسائلی را که غالباً به آنها احتیاج دارد چه در خصوص عبادات و چه در مورد معاملات باشد یاد بگیرد. اگر یاد نگیرد و به ترک واجب یا فعل حرام منتهی شود، مرتکب معصیت شده است.

م ۱۷- اگر برای انسان مسأله‌ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند، چنانچه می‌تواند آن را تأخیر بیندازد تا فتوای مجتهد را به دست آورد، بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد. ولی اگر تأخیر ممکن نباشد باید احتیاط کند.

م ۱۸- اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید. چنان چه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوا عوض شده است. ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد در نقل آن اشتباه کرده در صورتی که اشتباه موجب ترک واجب یا انجام حرام بشود، باید اعلام کند و اشتباه خود را تصحیح نماید.

م ۱۹- اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد در صورتی اعمال او صحیح است که احراز نماید عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابقت داشته است و یا اطمینان پیدا کند که به وظیفه واقعی خود عمل کرده است یا مجتهدی به صحت اعمال گذشته او حکم کند.

م ۲۰- مقلد می‌تواند در صورت احراز اعلی‌ت مجتهدی از مرجع خود به او عدول نماید. ولی عدول از اعلم به غیر اعلم خلاف احتیاط است.

م ۲۱- عدول از مجتهد حی به مجتهد حی مساوی نیز جایز است. بلکه تبعیض در تقلید نیز جایز است و می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی از مسائل را از دیگری تقلید کند. حتی اگر دو مجتهد را از طرق شرعی بشناسد که هر کدام در بخشی از مسائل فقهی اعلم هستند، تبعیض در تقلید نسبت به آنها جایز، بلکه احوط است.

م ۲۲- اگر مرجع تقلید انسان فوت کند و به مجتهد حی رجوع کند. او نیز پس از چندی از دنیا برود، چنانچه مجتهد حی سوم قائل به وجوب بقاء باشد بر تقلید از مجتهد اول خود باقی بماند و اگر مجتهد حی قائل به جواز بقاء باشد، مقلد بین بقاء بر مجتهد دوم یا تقلید از مجتهد حی مخیر است.

م ۲۳- وکیل در مورد وکالت (اجراء عقد و ایقاع، یا ادای خمس و زکات) باید طبق فتوای مرجع تقلید موکل خود عمل نماید. اما ولی یا وصی برای انجام مورد وصیت و اجیر برای نماز و روزه میت باید مطابق فتوای مرجع تقلید خود عمل نمایند.

م ۲۴- هرگاه بین دو نفر عقد یا معامله‌ای واقع شود که یکی از آن دو مقلد کسی باشد که قائل به صحت است و دیگری مقلد کسی که قائل به بطلان است. بر هر کدام لازم است فتوای مرجع تقلید خود را رعایت نماید.

م ۲۵- هرگاه بین نظر اجتهادی مجتهد جامع الشرائط که بالفعل ولایت امر را برعهده دارد با فتوای مرجع تقلیدی تعارض وجود داشته باشد، در مواردی که مربوط به تکلیف فردی باشد هر کس باید طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل نماید. ولی در مسائل اجتماعی و حکومتی همه باید تابع نظر ولی فقیه عادل باشند.

م ۲۶- اطاعت از احکام حکومتی ولی فقیه عادل - چه به عنوان اولی، چه به عنوان ثانوی - بر همهٔ آحاد جامعه اسلامی اعم از مقلد و مجتهد لازم است.

م ۲۷- احکام شرعی پنج قسم است:

(۱) واجب: عملی است که انجام آن لازم و ترک آن معصیت و مستوجب عقوبت است.

مانند نماز و روزه.

(۲) حرام: عملی است که ترک آن لازم و انجام آن معصیت و مستوجب عقوبت است.

مانند غیبت و تهمت.

۳) مستحب: آن است که انجامش بهتر از ترکش می‌باشد. انجام آن ثواب دارد، ولی ترک آن عقاب ندارد. مانند نماز شب.

۴) مکروه: آن است که ترکش بهتر از انجامش می‌باشد. ترک آن ثواب دارد، ولی انجام آن عقاب ندارد. مانند خوابیدن در مسجد.

۵) مباح: فعل و ترک آن یکسان است و بر هیچ طرف ثواب یا عقاب مترتب نیست.
م ۲۸- تقلید اختصاص به واجبات و محرمات ندارد. بلکه در تمام افعال اعم از مستحبات و مکروهات و مباحات، در مسائل عبادی و معاملات و امور عرفی و عادی تقلید لازم است. مگر امور قطعی و ضروری باشد.

م ۲۹- مکلف به کسی می‌گویند که دارای شرایط زیر باشد:

۱) عاقل باشد. پس دیوانه مکلف نیست.

۲) بالغ باشد. پس کسی که بالغ نشده، تکلیف ندارد.

۳) علم به تکلیف داشته باشد. پس اگر انسان نداند حکم شرعی متوجه او است. مکلف نیست و مخالفت او با آن کیفر دنیوی و عقاب اخروی ندارد. مگر جاهل مقصر باشد.
۴) قدرت بر انجام وظیفه شرعی داشته باشد، پس کسی که عاجز باشد و نتواند مثلاً روزه بگیرد، مکلف نیست.

۵) بر فعل و ترک مختار باشد. پس اگر کسی را بر انجام حرام یا ترک واجب اکراه و اجبار کنند، تکلیف از او ساقط است و مستوجب عقوبت نیست.

م ۳۰- علامت بلوغ یکی از دو چیز است: یکی اختصاصی و دیگری مشترک.

۱) علامت مختص پسر: خروج منی در خواب یا بیداری پس از ۱۳ سالگی.

علامت مختص دختر: حیض شدن پس از ۹ سالگی.

۲) علامت مشترک: روییدن موی زبر و خشن زیر شکم و بالای عورت.

م ۳۱- سن خاصی برای بالغ شدن دختر و پسر معین نیست. بلکه بلوغ تابع شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی است. ولی در مناطق معتدل در صورت عدم ظهور آن دو

علامت یاد شده، باید تمام شدن ۱۵ سال را در پسر و ۱۳ سال را در دختر ملاک قرار داد.

م ۳۲- محاسبه سن بلوغ باید به سال قمری باشد. بنابراین ۹ سال قمری ۹۸ روز، ۱۳ سال قمری ۱۴۲ روز و ۱۵ سال قمری ۱۶۴ روز کمتر از سال شمسی محاسبه می شود.

م ۳۳- اگر پسر پیش از اتمام ۱۵ سال در خواب یا بیداری منی از او خارج شود، بالغ است. اگر دختر پیش از اتمام ۱۳ سال حیض شود، بالغ است.

م ۳۴- اگر دختر پس از تمام شدن نه سالگی حیض نشود و علامت دیگر نیز در او مشاهده نشود، پس از اتمام سیزده سال نماز و روزه بر او واجب است. هر چند پس از اتمام نه سال چنانچه رشد کافی از نظر عقلی داشته باشد، تصرفات مالی او مانند خرید و فروش، زکات و وصیت نافذ است و مسئولیت اعمال خود را به لحاظ حقوقی و کیفری بر عهده دارد.



احکام آب‌ها

مسألة ۳۵- آب از نظر احکام طهارت و نجاست دو قسم است: مطلق و مضاف. آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب میوه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل انواع شربت‌ها و آبی که به اندازه‌ای با گل و لجن و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند. غیر اینها آب مطلق است.

آب مطلق پنج قسم است: آب کر، آب قلیل، آب جاری، آب باران و آب چاه.

۱- آب کر:

م ۳۶- آب کر مقدار آبی است که حجم ظرف آن به لحاظ طول و عرض و عمق هر یک سه وجب و نیم باشد و وزن آن ۱۲۸ من تبریز معادل ۳۷۷ کیلوگرم باشد.

م ۳۷- اگر عین نجس مانند بول و خون یا شیء متنجس به آب کر برسد چنانچه به واسطه آن یکی از اوصاف سه گانه یعنی بو، رنگ یا مزه آب تغییر کند، آب، نجس می‌شود و اگر تغییر نکند نجس نمی‌شود.

م ۳۸- اگر اوصاف سه گانه آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی‌شود.

م ۳۹- اگر قسمتی از آبی که بیش از کر است به سبب ملاقات نجس یکی از اوصاف سه گانه اش تغییر کند، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد تمام آب نجس می شود و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد فقط همان مقداری که وصف آن تغییر کرده نجس است.

م ۴۰- آب فواره اگر متصل به کر باشد آب نجس را پاک می کند. ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد آن را پاک نمی کند مگر آن که چیزی روی فواره بگیرند تا آب آن قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود.

م ۴۱- اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه ی نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است.

م ۴۲- اگر مقداری از آب کر، یخ ببندد و باقی آن به اندازه کر نباشد، چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود و هر مقدار از یخ هم آب شود نجس است.

م ۴۳- آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه، مثل آب کر است، یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود. آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک کند به مقدار کر شده یا نه، حکم آب کر ندارد.

م ۴۴- کر بودن آب به سه راه ثابت می شود:

(۱) خود انسان یقین یا اطمینان پیدا کند.

(۲) دو مرد عادل خبر دهند.

(۳) گفته کسی که آب در اختیار اوست و مورد وثوق باشد.

۲- آب قلیل:

م ۴۵- آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

م ۴۶- اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود. ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس و بالاتر از آن پاک می باشد و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد

پایین نجس نمی‌شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می‌شود.

م ۴۷- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد، نجس است. همچنین باید از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست، برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود، اجتناب کنند.

م ۴۸- آبی که با آن مخرج بول و غائط را می‌شویند با پنج شرط پاک است:

- (۱) بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد.
- (۲) نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد.
- (۳) نجاست دیگری مثل خون، با بول یا غائط بیرون نیامده باشد.
- (۴) ذره‌های غائط در آب پیدا نباشد.
- (۵) بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

۳- آب جاری:

م ۴۹- آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد. مثل آب چشمه.

م ۵۰- آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

م ۵۱- اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش به واسطه‌ی نجاست تغییر کرده نجس است، و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آب جوی نهر اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آب تغییر نیافته به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک، و گرنه نجس است.

م ۵۲- آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد، حکم آب جاری دارد، یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی یکی از اوصاف سه گانه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

م ۵۳- آب راكد متصل به آب جاری، همچنین آب لوله‌کشی ساختمان‌ها و حمام‌ها، حکم آب جاری را دارد.

م ۵۴- چشمه‌ای که در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد، فقط وقتی می‌جوشد حکم آب جاری دارد.

م ۵۵- آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود؛ اما اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی‌شود.

۴- آب باران:

م ۵۶- اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران بیارد، جایی که باران به آن برسد، پاک می‌شود. در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست. ولی باریدن چند قطره فایده ندارد، بلکه باید به مقداری باشد که اگر بر زمین سخت بیارد جاری شود.

م ۵۷- اگر باران بر عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد پاک است.

م ۵۸- اگر زمین یا سقف یا بام نجس باشد با بارش باران پاک می‌شود. ولی اگر روی آنها عین نجاست باشد تا وقتی باران بر آن می‌بارد، آبی که به عین نجس برسد و بر زمین جاری می‌شود یا از سقف یا ناودان می‌ریزد پاک است. ولی پس از قطع باران، اگر انسان بداند که آب باران به عین نجس رسیده نجس می‌باشد.

م ۵۹- اگر خاک نجس باشد و باران بر آن بیارد به گونه‌ای که تمام اجزاء آن را فرا بگیرد پاک می‌شود، هر چند به صورت گل درآید.

م ۶۰- هرگاه آب باران یا جاری، در گودالی جمع شود، تا هنگامی که باران ادامه دارد، اگر چیز نجسی را در آن بشویند و موجب تغییر وصف آن نگردد آن چیز نجس پاک می‌شود، هر چند کمتر از کر باشد. ولی پس از قطع باران اگر نجاستی به آن برسد نجس می‌شود.

م ۶۱- اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس قرار دارد باران بیارد، و از زیر فرش جاری شود، فرش، نجس نمی‌شود، و زمین هم پاک می‌گردد. همچنین اگر بر حوض یا ظرف آب نجس باران بیارد و با آن مخلوط شود پاک می‌گردد.

۵- آب چاه:

م ۶۲- آب چاهی که از زمین می‌جوشد، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است برای افتادن پرندۀ یا موش مرده هفت سطل و برای ریختن خون کم و ادرار بچه ده سطل از آب چاه بکشند.

م ۶۳- اگر نجاستی در چاه بریزد و یکی از اوصاف را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، پاک می‌شود. احتیاط آن است که با آبی که از چاه می‌جوشد مخلوط شود.

م ۶۴- آب چاههای عمیق و نیمه عمیق و معمولی که با موتور و تلمبه کشیده می‌شود، تا هنگامی که آب در لوله جریان دارد، حکم آب چاه و آب جاری را دارد و اگر جریان قطع شود، چنانچه اگر به اندازه کر باشد، پاک کننده است.

احکام آب‌ها

م ۶۵- آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل با آن نیز باطل است.

م ۶۶- آب مضاف هر چند بیش از کر باشد در اثر ملاقات با نجس هر چند کم باشد نجس می‌شود. مگر در سه صورت:

(۱) از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که با نجس ملاقات کرده نجس می‌شود. ولی مقدار بالای آن پاک می‌باشد. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، گلاب درون گلابدان پاک است.

(۲) با فشار از پایین به بالا برود و نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی‌شود.

(۳) آن قدر زیاد باشد که به نظر عرف نجاست قابل سرایت نباشد، مانند استخر بزرگ، منابع بزرگ یا لوله‌های طولانی نفت هر چند مسطح باشد.

م ۶۷- اگر آب مضاف نجس، طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند، پاک می‌شود.

م ۶۸- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می‌کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است. و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه، مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

م ۶۹- آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست قبلاً مطلق یا مضاف بوده، نجاست را پاک نمی‌کند، وضو و غسل با آن نیز باطل است. ولی اگر به اندازه‌ی کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، محکوم به طهارت است.

م ۷۰- آبی که عین نجاست، مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه‌ی آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد نجس می‌شود، ولی اگر بر اثر مجاورت با عین نجاست یکی از اوصافش تغییر کند نجس نمی‌شود.

م ۷۱- آبی که یکی از اوصاف سه گانه آن بر اثر ریخته شدن عین نجاست مانند خون و بول در آن تغییر کرده است در صورتی که به آب کر یا آب جاری متصل شود یا باران بر آن بیارد و تغییر وصفش از بین برود پاک می‌گردد. ولی اگر خود به خود اوصاف آن زائل شود پاک نمی‌شود.

م ۷۲- اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری فرو برند، آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می‌ریزد پاک است.

م ۷۳- آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه، پاک است. آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

م ۷۴- نیم خورده‌ی سگ و خوک و کافر غیرکتابی نجس و خوردن آن حرام است و نیم خورده‌ی حیوانات حرام گوشت مانند گربه، پاک و خوردن آن مکروه می‌باشد.

م ۷۵- آب نوشیدنی باید پاک، سالم و بهداشتی باشد. خوردن آبهای آلوده و غیربهداشتی که سلامت انسان را به مخاطره می‌اندازد حرام است. آلوده ساختن آب شرب نیز جایز نیست.

احکام تخلی

- م ۷۶-** واجب است انسان هنگام بول و غائط و مواقع دیگر، عورت خود را از فرد ممیز بپوشاند، هر چند با او محرم باشد، ولی زن و شوهر لازم نیست خود را از یکدیگر بپوشانند.
- م ۷۷-** در پوشاندن عورت، وسیله خاصی معتبر نیست. بنابراین اگر با دست یا شیشه مات هم آن را بپوشاند، کافی است.
- م ۷۸-** موقع تخلی باید جلوی بدن (شکم و سینه) رو به قبله و پشت به قبله نباشد. انحراف عورت از جهت قبله به تنهایی کافی نیست. بنا بر احتیاط در موقع تطهیر مخرج و استبراء نیز رو به قبله نباشد.
- م ۷۹-** اگر برای آن که نامحرم او را نبیند، یا به جهت دیگر مجبور شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، اشکال ندارد.
- م ۸۰-** احتیاط واجب آن است که بچه را هنگام تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند. ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.
- م ۸۱-** تخلی در چهار جا حرام است:
- (۱) مسیر تردد مردم.
 - (۲) ملک و حریم دیگران بدون اجازه.
 - (۳) جایی که برای گروه خاص وقف شده است مثل بعضی مدارس ویژه طلاب و بعضی مساجد که وقف نمازگزاران آن مسجد باشد.
 - (۴) محلی که هتک حرمت مؤمن یا مقدسات دینی شود.
- م ۸۲-** در سه صورت، مخرج غائط فقط با آب پاک می شود:
- (۱) نجاست دیگری مثل خون با غائط بیرون آمده باشد.
 - (۲) نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد.
 - (۳) اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد.
- در غیر این سه صورت می توان مخرج را با کاغذ و پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد، اگر چه شستن با آب بهتر است.

م ۸۳- مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود. بنا بر احتیاط واجب با آب قلیل باید دو مرتبه شسته شود.

م ۸۴- اگر مخرج غائط را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند و اگر در دفعه اول این طور شسته شود، دوباره شستن لازم نیست.

م ۸۵- هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غائط را از مخرج بر طرف کنند، پاک می شود و بنابر احتیاط واجب باید حداقل با سه قطعه یا سه نوبت باشد. هر چند اقوی آن است که اگر اطمینان پیدا کند مخرج با یک یا دو قطعه کاملاً پاک شده، کافی است. چنان که اگر اطمینان پیدا کند، با سه قطعه کاملاً مخرج پاک نشده است باید تعداد قطعات یا دفعات را به اندازه ای اضافه کند تا اطمینان به پاکیزگی حاصل شود.

م ۸۶- استفاده از چیزهایی که احترام آنها لازم است - مانند کاغذی که اسم خدا یا پیامبر یا امام معصوم یا آیه قرآن یا دعای مأثور در آن - باشد برای پاک کردن مخرج حرام است. ولی اگر کسی آن را مورد استفاده قرار داد طهارت حاصل می شود هر چند معصیت کرده است.

م ۸۷- اگر کسی به واسطه ابتلای به بیماری، بول یا غائط او از غیر مجرای طبیعی خارج می شود، مخرج فقط با آب تطهیر می شود.

م ۸۸- اگر قبل از نماز شک کند مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگر چه همیشه پس از بول یا غائط فوراً تطهیر می کرده، بنابر احتیاط واجب باید خود را تطهیر نماید. اما اگر پس از نماز شک کند، نمازی که خوانده، صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

استبراء

م ۸۹- استبراء عملی است که خوب است مرد پس از ادرار به این ترتیب انجام دهد. اگر مخرج غائط نجس شده، اول آن را تطهیر کند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ، از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشد. سپس شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارد و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشد، و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهد، تا یقین پیدا کند بول در مجری باقی نمانده است.

م ۹۰- استبراء از منی در مرد آنست که پس از خروج منی ادرار کند تا ذرات باقیمانده در مجری بیرون بیاید.

م ۹۱- انواع رطوبت (غیر از بول و منی) که گاهی از انسان بیرون می آید، مانند آب پس از ملاعبه (مذی)، آب پس از منی (وذی) و آب پس از بول (ودی) در صورتی که مجری آلوده به بول و منی نباشد، پاک است و موجب بطلان وضوء و غسل نمی شود.

م ۹۲- اگر انسان شک کند استبراء کرده یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، نجس می باشد و چنانچه وضو گرفته باشد باطل می شود. ولی اگر شک کند استبرائی که کرده درست بوده یا نه، آن رطوبت پاک می باشد، وضو را هم باطل نمی کند.

م ۹۳- کسی که استبراء نکرده و به واسطه ی گذشت مدتی از زمان ادرار، یقین کند بول در مجرا نمانده است، اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک می باشد، وضو را هم باطل نمی کند.

م ۹۴- اگر انسان بعد از بول، استبراء کند و وضو بگیرد، سپس رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند، وضو هم بگیرد. ولی اگر وضو نگرفته باشد، گرفتن وضو کافی است.

م ۹۵- برای زن، استبراء از بول نیست. اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، پاک می باشد، وضو و غسل او را هم باطل نمی کند.

مستحبات و مکروهات تخلی

م ۹۶- مستحبات تخلی چند چیز است:

- ۱- در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند.
- ۲- هنگام وارد شدن به مکان تخلی، اول پای چپ را بگذارد.
- ۳- هنگام بیرون آمدن، اول پای راست را بگذارد.
- ۴- در حال تخلی سر را بیوشاند.
- ۵- سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد.

م ۹۷- این کارها هنگام تخلی مکروه است:

- ۱- نشستن روبه روی خورشید و ماه
 - ۲- نشستن مقابل باد
 - ۳- محل تردد مردم
 - ۴- زیر درخت میوه
 - ۵- چیز خوردن
 - ۶- توقف زیاد
 - ۷- تطهیر کردن با دست راست
 - ۸- حرف زدن با دیگری
 - ۹- ایستاده ادرار کردن
 - ۱۰- ادرار در زمین سخت
 - ۱۱- ادرار در سوراخ جانوران
 - ۱۲- تخلی در آبها، خصوصاً آب راکد.
- م ۹۸- خودداری از بول و غائط، مکروه و در صورت ضرر حرام است.
- م ۹۹- مستحب است انسان پیش از نماز و وضو، و پیش از خواب و پیش از جماع و پس از بیرون آمدن منی، بول کند.

نجاسات

مسأله ۱۰۰- نجاسات دوازده چیز است: (۱) بول، (۲) غائط، (۳) منی، (۴) مردار، (۵) خون، (۶) سگ، (۷) خوک، (۸) کافر، (۹) شراب، (۱۰) آبجو، (۱۱) عرق شتر نجاست‌خوار، (۱۲) عرق جنب از حرام.

۱-۲) بول و غائط:

م ۱۰۱- بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون آن می‌جهد نجس است؛ ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است.

م ۱۰۲- فضله‌ی پرندگان حرام گوشت مانند حلال گوشت پاک است. اگر چه بنا بر احتیاط در مورد حرام گوشت به ویژه خفاش اجتناب شود.

م ۱۰۳- بول و غائط حیوان نجاست‌خوار، و حیوانی که انسان آن را وطی کرده، همچنین گوسفندی که شیر خوک خورده، نجس است.

۳) منی:

م ۱۰۴- منی انسان و حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. هر چند حلال گوشت باشد.

۴) مردار:

- م ۱۰۵-** مردار حیوانی که خون جهنده دارد، اگر خودش مرده باشد نجس است. همچنین است بنا بر احتیاط اگر طبق دستور شرع ذبح نشده باشد. ولی خوردن گوشت آن حرام است. ماهی چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد، پاک است.
- م ۱۰۶-** چیزهایی از مردار مثل پشم و مو و کرک و ناخن و قسمتی از استخوان و دندان که روح نداشته اگر از حیوان نجس العین مثل سگ و خوک نباشد پاک است.
- م ۱۰۷-** اگر جزئی که روح دارد مانند گوشت از بدن انسان یا حیوان زنده‌ای که خون جهنده‌ای دارد، جدا کنند، نجس است.
- م ۱۰۸-** پوست‌های ریز لب و دست و پا که از بدن جدا می‌شود، پاک است. هر چند آن را بکنند منوط بر اینکه به راحتی و بدون احساس درد و سوزش کنده شود.
- م ۱۰۹-** تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید، اگر پوست روی آن سفت شده باشد، پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.
- م ۱۱۰-** اگر بره و بزغاله، پیش از علفخوار شدن، بمیرد، پنیر مایه‌ای که در شیردان آنها می‌باشد پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.
- م ۱۱۱-** مواد خوراکی، دارویی، بهداشتی، تزئینی و پوشاک که از کشورهای غیراسلامی به عنوان هدیه برای کسی توسط مسلمانی می‌آورند یا در بازار مسلمانان عرضه می‌شود، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

۵) خون:

- م ۱۱۲-** خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. خون حیوانی که خون جهنده ندارد مانند ماهی، مار و پشه، پاک است.
- م ۱۱۳-** اگر حیوان حلال گوشت طبق دستور شرع ذبح شود و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند، پاک است. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه‌ی این که سر حیوان در جای بلندی قرار گرفته، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.
- م ۱۱۴-** خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می‌شود نجس است و بنا بر احتیاط باید از آن

اجتناب کرد. ولی اگر خون در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده پاک است.

م ۱۱۵- خونی که گاهی موقع دوشیدن در شیر دیده می‌شود، نجس است و باید از خوردن آن شیر خودداری کرد مگر هنگام دوشیدن مستهلک شود.

م ۱۱۶- خونی که از داخل دهان باشد مانند خون لثه، اگر با آب دهان مستهلک شود پاک است و فرو بردن آن اشکال ندارد.

م ۱۱۷- خونی که به واسطه ضربه وارد شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری باشد که دیگر به آن خون نگویند؛ پاک است، و اگر به آن خون بگویند نجس است. در صورتی که ناخن بشکند یا پوست پاره شود، اگر مشقت ندارد، باید برای وضو و غسل، خون را بیرون آورند، و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست، زیاد نشود، بشویند و پارچه یا چیزی بر آن بگذارند و با دست تر روی آن بکشند.

م ۱۱۸- اگر انسان نداند که سیاهی یا کبودی زیرپوست، خون مرده است یا گوشت به واسطه‌ی کوبیدگی به آن حالت درآمده، پاک است.

م ۱۱۹- اگر موقع جوشیدن غذا، ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود، و جوشیدن و حرارت و آتش، پاک کننده نیست.

م ۱۲۰- زردابی که هنگام خراش پوست یا در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می‌باشد.

م ۱۲۱- اگر سوزن یا چاقو یا تیغ در بدن انسان یا حیوان فرو رود و بیرون آید و اثری از خون بر آن نباشد پاک است، هر چند احتمال بدهد با خون برخورد کرده است.

۶-۷) سگ و خوک:

م ۱۲۲- تمام اجزاء سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

م ۱۲۳- اگر یکی از این دو با حیوان دیگر جفت‌گیری کند، حیوانی که متولد می‌شود، اگر به آن سگ یا خوک نگویند پاک است.

۸- کافر:

- م ۱۲۴- کافر- منکر توحید یا نبوت یا معاد یا ضروریات اسلام - نجس است. همچنین کسی که به الوهیت یکی از امامان شیعه اعتقاد داشته باشد محکوم به کفر و نجس است.
- م ۱۲۵- اهل کتاب یعنی یهود و نصاری - چنانچه به یگانگی خداوند معتقد باشند - فی حد ذاته پاک هستند. هر چند رعایت احتیاط- به واسطه عدم اجتناب آنان از آنچه در اسلام نجس است - مطلوب است.
- م ۱۲۶- تمام مذاهب و فرق اسلام پاک هستند مگر غلات (کسانی که صفات مخصوص خدا را برای امامان قائل باشند) و نواصب (کسانی که نسبت به امامان معصوم دشمنی بورزند و دشنام دهند).
- م ۱۲۷- تمام اجزاء بدن کافر غیر کتابی حتی مو و ناخن و آب دهان او نجس است.
- م ۱۲۸- اگر پدر و مادر و جدّ و جدّه‌ی بچه‌ی نابالغ کافر باشند آن بچه هم نجس است، و اگر یکی از آنها مسلمان باشد، بچه پاک است.
- م ۱۲۹- کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک می‌باشد، چه در کشور اسلامی زندگی کند و چه در کشور غیراسلامی. ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلاً نمی‌تواند زن مسلمان بگیرد، و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.

۹) شراب:

- م ۱۳۰- شراب و هر مایعی که موجب مستی شود، نجس است، ولی اگر مانند مواد مخدر جامد باشد، هر چند اگر آن را در آب بریزند، به صورت مایع دربیاید پاک است.
- م ۱۳۱- الکل صنعتی که برای رنگ کردن میز و صندلی و کمد و مانند اینها به کار می‌برند، اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده‌اند، پاک می‌باشد.
- م ۱۳۲- بعضی الکل‌ها (صنعتی و طبی) که مسکر بالفعل نیست و به علت سمی بودن بدون کاهش غلظت قابل شرب نمی‌باشد، نجس نیست. ولی اگر رقیق گردد و قابل شرب و موجب مستی شود، محکوم به نجاست و حرمت است.

م ۱۳۳- اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید، خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط نجس است. و اگر به واسطه‌ی پختن، جوش بیاید، خوردنش حرام است، ولی نجس نیست.

م ۱۳۴- خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر چه بجوشد یا در روغن تف داده شود، اشکال ندارد، نجس نمی‌شود و خوردن آن حلال است.

(۱۰) آبجو

م ۱۳۵- آبجو - نوعی شراب مست کننده که از جو می‌گیرند - نجس و حرام است. ولی آنچه خاصیت درمانی دارد و به آن ماءالشعیر می‌گویند و مسکر نیست، پاک و حلال است.

(۱۱) عرق شتر نجاستخوار:

م ۱۳۶- عرق شتر که به خوردن نجاست عادت کرده، بنا بر احتیاط واجب، نجس است. ولی عرق حیوانات نجاست خوار دیگر پاک است.

(۱۲) عرق جنب از حرام:

م ۱۳۷- کسی که از طریق حرام مانند زنا، لواط یا استمناء جنب شود، اگر چه نجس بودن عرق او، محل اشکال است. ولی بنا بر احتیاط واجب تا زمانی که رطوبت عرق بر بدن یا لباس او باقی است نمی‌تواند نماز بخواند.

م ۱۳۸- مقاربت با همسر در حال حیض یا در حال روزه ماه مبارک رمضان حکم جنابت از حرام را دارد و باید از عرق آن در نماز اجتناب نماید.

م ۱۳۹- مراد از عرق جنب از حرام عرقی است که در حین عمل یا پس از آن و پیش از غسل از بدن او بیرون می‌آید. هر چند گاهی پس از غسل نیز ممکن است عرق کند. در این صورت احتیاط مستحب آن است که یک بار دیگر تمام بدن را آب بکشد.

م ۱۴۰- اگر جنب از حرام به واسطه عذری بدل از غسل، تیمم نماید، سپس عرق کند، اجتناب از آن لازم نیست.

م ۱۴۱- اگر کسی ابتداء از حرام، بعد از حلال جنب شود یا اول از حلال، بعد از حرام جنب شود، عرق او، حکم عرق جنب از حرام دارد.

راه ثابت شدن نجاست

م ۱۴۲- نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود:

(۱) خود انسان یقین کند چیزی نجس است. گمان کافی نیست. بنابراین غذا خوردن در قهوه‌خانه و مهمانخانه که افراد لایبالی در آن جا غذا می‌خورند، اگر انسان یقین یا اطمینان نداشته باشد غذایی را که برای او آورده‌اند نجس است، اشکال ندارد.

(۲) کسی که ذوالید است و چیزی در اختیار او است مانند صاحب‌خانه یا همسر یا مستخدم بگوید آن چیز نجس است، در صورتی که متهم به دروغ‌گوئی نباشد.

(۳) دو مرد عادل یا فردی مورد وثوق بگوید چیزی نجس است.

م ۱۴۳- اگر بچه ممیز نسبت به وسائلی که در اختیار او است بگوید فلان چیز نجس یا پاک است، در صورت حصول اطمینان، سخن او را باید قبول کرد.

م ۱۴۴- اگر به واسطه ندانستن مسأله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاک است یا نه، باید مسأله را بپرسد. ولی اگر حکم را بداند، ولی شک کند آن چیز خون است یا رنگ، یا بداند خون است ولی نداند خون پشه است یا خون انسان، پاک می‌باشد و تحقیق لازم نیست.

م ۱۴۵- چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است و چیز پاک را اگر شک کند، نجس شده یا نه، پاک است و اگر بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واریسی کند.

م ۱۴۶- اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که هر دو مورد استفاده او است نجس شده و نداند کدام است باید از هر دو اجتناب کند. ولی اگر مثلاً نداند لباس خودش نجس شده یا لباس دیگری که مورد استفاده او نیست، از لباس خودش هم لازم نیست اجتناب نماید.

راه سرایت نجاست

م ۱۴۷- اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

م ۱۴۸- اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک نجس نمی‌شود.

م ۱۴۹- دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک و کدام نجس است، اگر چیز پاک با رطوبت به یکی از آنها برسد نجس نمی‌شود. ولی اگر یکی از آنها قبلاً نجس بوده و انسان نداند پاک شده یا نه، چنانچه چیز پاک به آن برسد، نجس می‌شود.

م ۱۵۰- زمین و پارچه و میوه و مانند این‌ها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود، و جاهای دیگر آن پاک است.

م ۱۵۱- هرگاه شیر و روغن، به صورت مایع باشد در اثر ملاقات نجاست با یک نقطه آن، تمام آن نجس می‌شود. ولی اگر جامد باشد، فقط محل ملاقات نجس می‌شود.

م ۱۵۲- اگر حشره‌ای روی چیز نجس تری بنشیند و بعد روی چیز پاک بنشیند، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن بوده، چیز پاک نجس می‌شود و اگر نداند، پاک است.

م ۱۵۳- اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد، نجس می‌شود و اگر عرق به جای دیگر نرسد، جاهای دیگر بدن پاک است.

م ۱۵۴- اخلاط غلیظ که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد، نجس و بقیه آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، جایی را که انسان یقین دارد، خلط نجس به آن رسیده، نجس است، و محلی را که شک دارد خلط نجس به آن رسیده یا نه، پاک می‌باشد.

م ۱۵۵- اگر ظرفی را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند، چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آن یکی حساب شود، آب داخل ظرف، نجس می‌شود. ولی اگر آبی که از زیر آن خارج می‌شود در زمین فرو رود یا جاری شود به طوری که با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب ظرف نجس نمی‌شود.

م ۱۵۶- اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد، در صورتی که بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد پاک است. پس اگر ابزار اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود و بعد از بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشد، نجس نیست. همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد.

احکام نجاسات

- م ۱۵۷-** نجس کردن خط و ورق قرآن، هم‌چنین جلد قرآن در صورت هتک حرمت، حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.
- م ۱۵۸-** گذاشتن قرآن روی عین نجس، مانند خون و مردار - اگر چه خشک باشد - حرام است، و برداشتن قرآن از روی آن واجب می‌باشد.
- م ۱۵۹-** نوشتن قرآن با مرکب نجس، اگر چه یک حرف آن باشد حرام است، و اگر نوشته شود باید به وسیله شستن یا تراشیدن آن را محو کنند.
- م ۱۶۰-** دادن قرآن به کافر در صورت احتمال هتک حرمت حرام و گرفتن قرآن از او واجب است. ولی اهداء به قصد هدایت و تبلیغ اسلام باشد جایز است. بنابر احتیاط روی صفحه قرآن ورق نازک پلاستیک (سلفون) کشیده شود.
- م ۱۶۱-** اگر ورق قرآن یا کاغذی که نام خدا یا پیامبر ﷺ یا امام معصوم علیه السلام بر آن نوشته شده در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه هزینه داشته باشد واجب است. اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد بنابر احتیاط واجب باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده یا نوشته روی آن از بین رفته است.
- م ۱۶۲-** خوردن و آشامیدن چیز نجس مانند مردار و شراب یا منتجس و نیز خوراندن آن حتی به اطفال و مجانین حرام است، ولی اگر خود کودک یا دیوانه غذای منتجس را بخورد جلوگیری او لازم نیست.
- م ۱۶۳-** فروختن و عاریه دادن چیز نجس اشکال ندارد. ولی چنانچه انسان بداند که عاریه گیرنده و خریدار، آن را برای خوردن و آشامیدن یا کارهایی که طهارت در آن شرط است مانند پوشیدن لباس در نماز، استفاده می‌کند باید نجس بودن آن را به او اعلام نماید.
- م ۱۶۴-** اگر شیء عاریتی نزد عاریه گیرنده نجس شود، هنگام برگرداندن به صاحبش اگر بداند او آن را در کاری که شرط آن طهارت است به کار می‌برد، باید به او اعلام کند.
- م ۱۶۵-** اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست او را آگاه نماید.

م ۱۶۶- اگر جایی از خانه یا فرش نجس باشد و صاحب خانه ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر میهمان با رطوبت به جای نجس رسیده است، بنا بر احتیاط واجب باید به آنان بگوید.

م ۱۶۷- اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان اطلاع دهد. اما اگر یکی از مهمانها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد. ولی در صورت معاشرت برای جلوگیری از آلودگی خود به نجاست، می تواند بعد از غذا به آنان بگوید.

مطهرات

مسألة ۱۶۸- دوازده چیز، نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند:
۱- آب، ۲- زمین، ۳- آفتاب، ۴- استحاله، ۵- انقلاب، ۶- کاهش دو سوم،
۷- انتقال، ۸- اسلام، ۹- تبعیت، ۱۰- زوال نجاست،
۱۱- استبراء حیوان نجاستخوار، ۱۲- غایب شدن مسلمان.

(۱) آب:

م ۱۶۹- آب با چهار شرط، چیز نجس را پاک می کند:
(۱) مطلق باشد، پس آب مضاف چیز نجس را پاک نمی کند.
(۲) پاک باشد.
(۳) آب هنگام شستن چیز نجس مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد.
(۴) بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست، در آن نباشد.
م ۱۷۰- ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست و در هر یک و جاری یک مرتبه کافی است. ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب خورده، ابتدا، باید با خاک پاک مال کرده

و بعد یک مرتبه در آب کر یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل شست.

م ۱۷۱- اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده تنگ باشد و نشود آن را به طور معمول خاک مالی کرد، چنانچه ممکن است باید پارچه یا ابر به چوبی بپیچند و توسط آن، خاک را به اطراف آن ظرف بمالند و اگر ممکن نیست باید خاک در آن بریزند و حرکت دهند تا به همه ظرف برسد.

م ۱۷۲- ظرفی را که خوک بلیسد، با آب قلیل باید هفت مرتبه شست و در آب کر و جاری، یک مرتبه کافی است. احتیاط مستحب آن است که اول خاک مال شود.

م ۱۷۳- ظرفی را که به شراب، نجس شده، باید سه مرتبه آب بکشند و فرقی بین آب قلیل و کر و جاری نیست، اگر چه احتیاط آن است که با آب قلیل هفت مرتبه بشویند.

م ۱۷۴- کوزه‌ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارند، به هر جای آن که آب برسد پاک می‌شود و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود باید به قدری در آب بماند که آب به تمام آن فرو رود و فرورفتن رطوبت کافی نیست.

م ۱۷۵- ظرف نجس را با آب قلیل، دو جور می‌شود آب کشید: یکی آن که سه مرتبه پر کنند و خالی کنند. دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

م ۱۷۶- اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود، چنانچه سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند، پاک می‌شود و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا، آب در آن بریزند، طوری که تمام اطراف آن را بگیرد. و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می‌شود بیرون آورند و باید در هر دفعه ظرفی را که با آن آبها را بیرون می‌آورند و دست خود را (در صورتی که نجس شده باشد) آب بکشند.

م ۱۷۷- اگر با مس یا فلز نجس ظرفی یا وسیله‌ای بسازند، هرگاه آن را آب بکشند، ظاهرش پاک می‌شود.

م ۱۷۸- اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند اینها فشار دادن لازم نیست.

م ۱۷۹- اگر بخواهند چیزی را که به بول، نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود. ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه، فشار دهند تا غسله آن بیرون آید.

م ۱۸۰- اگر چیزی به بول بچه شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود، چنانچه یک مرتبه، آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود. ولی احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

م ۱۸۱- اگر چیزی به غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست، یک مرتبه، آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، پاک می‌گردد. همچنین اگر بر اثر ریختن آب روی چیز نجس، نجاست آن برطرف شود و ریختن آب پس از ازاله نجاست ادامه یابد پاک می‌شود. ولی در هر صورت، لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسله آن بیرون آید. ولی در تطهیر با آب لوله‌کشی فشردن و جدا شدن غسله لازم نیست.

م ۱۸۲- اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده، در آب کر یا جاری فرو برند، بعد از برطرف شدن عین نجاست، پاک می‌شود.

م ۱۸۳- اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود، با فرو بردن در آب کر و جاری یا گرفتن زیر شیر آب پاک می‌گردد و اگر باطن آن‌ها نجس شود، آن قدر باید ادامه داد تا اطمینان پیدا شود آب به داخل آنها نفوذ کرده است.

م ۱۸۴- اگر انسان شک کند آب نجس به باطن چیزی مانند صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

م ۱۸۵- اگر بخواهند چیز نجسی را در ظرفی بشویند باید سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند. در این صورت هم آن چیز و هم ظرف آن پاک می‌شود. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند، آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند تا غسله‌ای که در آن جمع شده، بیرون بریزد.

م ۱۸۶- لباس نجسی را که رنگ شده، اگر در آب کر یا جاری فرو برند و آب پیش از آن

که به واسطه رنگ پارچه مضاف شود، به تمام آن برسد، آن لباس، پاک می‌شود، اگر چه، موقع فشار دادن آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید. ولی اگر آب پیش از رسیدن به تمام لباس به صورت مضاف درآید باید آنقدر آن را بشویند تا آب مطلق به آن برسد.

م ۱۸۷- اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند، سپس ذرات گل یا صابون یا لجن در آن دیده شود، پاک است.

م ۱۸۸- هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند، پاک نمی‌شود. ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس، برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک می‌باشد. اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ، یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

م ۱۸۹- اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند، بدن پاک می‌شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن، لازم نیست.

م ۱۹۰- غذای نجسی که لای دندانها مانده، اگر آب در دهان بگردانند و به تمام اطراف غذای نجس برسد، پاک می‌شود.

م ۱۹۱- در شستن موی سر و صورت، فشار دادن لازم نیست، هر چند با آب قلیل باشد.

م ۱۹۲- اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل بشویند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً هنگام شستن نجس می‌شود، در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می‌ریزند به آن اطراف جاری شود با پاک شدن جای نجس، اطراف آن نیز پاک می‌شود. همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند، پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس، تمام انگشتها پاک می‌شود.

م ۱۹۳- گوشت و دنبه‌ای که نجس شده، مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود. همچنین اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که مانع رسیدن آب به آن نباشد.

م ۱۹۴- اگر ظرف یا بدن نجس طوری چرب شود که مانع رسیدن آب به آنها باشد، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

م ۱۹۵- چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است

یک دفعه بشویند، پاک می‌شود و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست، زیر شیر یا به وسیله‌ی دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد، بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست به خود نگرفته باشد، پاک است. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد، وصف نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا اوصاف آبی که از آن جدا می‌شود، تغییر نکند.

م ۱۹۶- اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه، آن چیز، پاک است.

م ۱۹۷- زمینی که آب در آن فرو می‌رود مانند زمینی که روی آن شن و ماسه باشد، اگر نجس شود با آب قلیل پاک می‌شود. ولی زیر شن و ماسه نجس می‌ماند.

م ۱۹۸- اگر بخواهند زمین سختی را که آب در آن فرو نمی‌رود، با آب قلیل کنند، باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی مانند فاضلاب بیرون رود همه‌ی زمین پاک می‌شود و اگر بیرون نرود برای تطهیر جایی که آب‌ها جمع می‌شود کافی است محل را با پارچه‌ی پاکی در هر نوبت خشک کنند.

م ۱۹۹- اگر ظاهر سنگ‌نمک و مانند آن، نجس شود با آب کمتر از کر هم پاک می‌شود. ولی اگر از شربت نجس، قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند پاک نمی‌شود.

(۲) زمین:

م ۲۰۰- زمین با سه شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند:

(۱) زمین پاک باشد. (۲) خشک باشد.

(۳) اگر عین نجس مثل خون و بول یا متنجس مثل گل نجس در کف پا و ته کفش باشد به واسطه‌ی راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود.

م ۲۰۱- مراد از زمین حالت طبیعی آن است خاکی باشد یا رملی، یا از فرآورده‌های زمینی مانند سنگ و آجر، موزائیک و حتی آسفالت فرش شده باشد. ولی با راه رفتن روی فرش و پلاستیک، حصیر و سبزه و زمینی که با چوب فرش شده پاک نمی‌شود. همچنین اگر به واسطه غیر راه رفتن کف پا و کفش نجس شده باشد با راه رفتن پاک نمی‌شود.

م ۲۰۲- زوال عین نجاست به راه رفتن برای پاک شدن کف پا و ته کفش کافی است. ولی

بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگر چه به کمتر از آن یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

م ۲۰۳- تربودن کف پا و ته کفش نجس، لازم نیست، بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن، پاک می شود.

م ۲۰۴- پس از آن که کف پا یا ته کفش نجس، به راه رفتن پاک شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود، اگر زمین یا خاک به آن اطراف برسد، پاک می گردد.

م ۲۰۵- کسی که با دست و زانو راه می رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، همچنین ته عصا، ته پای مصنوعی، نعل چهارپایان و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها بر اثر تماس با زمین به اندازه کافی پاک می شود.

م ۲۰۶- اگر بعد از راه رفتن، بو یا رنگ یا ذره های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود، در کف پا یا ته کفش بماند، اشکال ندارد. اگر چه احتیاط مستحب آن است به قدری راه رود که آن ذره ها هم از بین برود.

م ۲۰۷- توی کفش و لای انگشتهای و مقداری از کف پا که به زمین نمی رسد همچنین کف جوراب به واسطه ی راه رفتن، پاک نمی شود. ولی اگر جوراب چرمی یا پلاستیکی باشد که به طور متعارف به جای کفش می پوشند، به وسیله ی راه رفتن، پاک می شود.

(۳) آفتاب:

م ۲۰۸- آفتاب، زمین و ساختمان و اشیاء ثابت و غیرمنقول آن مانند بام و دیوار و در و پنجره را با پنج شرط پاک می کند:

(۱) چیز نجس تر باشد به طوری که اگر چیزی به آن برسد تر شود. پس اگر خشک باشد باید آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند.

(۲) عین نجاست پیش از تابیدن آفتاب برطرف شود.

(۳) آفتاب مستقیم بر آن بتابد. پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، پاک نمی شود. ولی اگر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد. شیشه نیز مانع نیست.

۴) آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند. پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه‌ی باد و آفتاب خشک شود پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس، کمک کرده، اشکال ندارد.

۵) آفتاب مقداری از ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک دفعه خشک کند. پس اگر یک بار بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و بار دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

م ۲۰۹- آفتاب، درخت و برگ و میوه متصل به آن و گیاه متصل به زمین را پاک می‌کند ولی پاک شدن حصیر و بوریا به واسطه آفتاب، محل اشکال است.

م ۲۱۰- اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، و انسان شک کند آیا زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه؟ تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه؟ پیش از تابش آفتاب، عین نجاست از آن برطرف شده یا نه؟ چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه؟ در تمام موارد، آن زمین نجس است. م ۲۱۱- اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد و طرف دیگر را که مستقیماً به آن نتاییده، نیز خشک کند، هر دو طرف پاک می‌شود. مگر فضای خالی بین دو طرف دیوار باشد، مانند دیوارهایی که با بلوک سیمانی یا آجر سفالین ساخته شده است.

۴) استحاله:

م ۲۱۲- اگر چیز نجس به گونه‌ای تغییر پیدا کند که به چیز دیگری مبدل گردد، پاک می‌شود، و به آن استحاله می‌گویند. مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد، یا آب نجس در اثر حرارت بخار شود یا سگ در نمکزار فرو رود و تبدیل به نمک شود.

م ۲۱۳- هرگاه تغییر شیء نجس ظاهری و صوری باشد پاک نمی‌شود. مانند خاک نجس که به صورت گل درآید، یا گندم نجس که آرد شود و آرد نجس که خمیر شود، یا چوب نجس که تبدیل به ذغال گردد. ولی اگر خمیر نجس را در معرض مستقیم آتش قرار دهند و نان بپزند یا گل نجس در اثر حرارت آتش کوره تبدیل به آجر و سفال شود یا مواد نجس ذوب گردد، پاک می‌شود.

م ۲۱۴- چیز نجسی که معلوم نیست، استحاله شده یا نه، نجس است.

(۵) انقلاب:

م ۲۱۵- اگر شراب به خودی خود یا به واسطه افزودن چیزی مثل سرکه و نمک به آن تبدیل به سرکه شود، پاک می‌گردد. و این تغییر را انقلاب گویند.

م ۲۱۶- شرابی که از انگور نجس درست کنند، به سرکه شدن پاک نمی‌شود. همچنین اگر نجاستی از خارج به شراب برسد، هر چند پیش از سرکه شدن در آن مستهلک شود.

م ۲۱۷- سرکه‌ای که از انگور و کشمش و خرما یا نجس درست کنند، نجس است.

م ۲۱۸- اگر پوشال ریز انگور یا خرما، داخل آنها باشد و سرکه بریزند اشکال ندارد. همچنین اگر پیش از سرکه شدن، خیار و بادنجان و مانند اینها در آن بریزند، اشکال ندارد، مگر بدانند وقت ریختن، مسکر بوده است.

(۶) کاهش دو سوم

م ۲۱۹- آب انگوری که با آتش به جوش آمده، نجس نیست. ولی خوردن آن حرام است. اما اگر به اندازه‌ای بجوشد که دوسوم آن بخار شود و یک سوم باقی بماند حلال می‌شود. ولی اگر خود به خود به جوش آید، حرام و نجس است و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می‌گردد.

م ۲۲۰- اگر در خوشه غوره چند دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن گرفته می‌شود، آب غوره بگویند و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است.

م ۲۲۱- چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید، خوردن آن حرام نیست. همچنین آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا نه، حلال است. ولی اگر جوش بیاید تا یقین به کاهش دوسوم آن پیدا نکند حلال نمی‌شود. چنانچه دوسوم آن بدون جوش آمدن کم شود و یک سوم باقیمانده جوش بیاید، خوردن آن حرام است.

(۷) انتقال:

م ۲۲۲- اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد انتقال یابد و خون آن حیوان حساب شود، پاک می‌گردد، و این را انتقال گویند. پس خونی که زانو از انسان می‌مکد چون خون زانو به شمار نمی‌رود و می‌گویند خون انسان است، نجس می‌باشد.

م ۲۲۳- اگر کسی پشه‌ای را که بر بدنش نشسته، بکشد و نداند خون خود پشه است یا خون مکیده شده از انسان، پاک است و همچنین است اگر بداند از او مکیده، ولی جزو بدن پشه حساب شود؛ اما اگر فاصله‌ی بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است نجس می‌باشد.

۸) اسلام:

م ۲۲۴- اگر کافر بگوید: «أشهد أن لا اله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله» یا به هر زبانی به یگانگی خدا و پیامبر اسلام گواهی بدهد مسلمان می‌شود. پس از مسلمان شدن، تمام اجزاء بدن، آب دهان و بینی و عرق او پاک است. مگر هنگام مسلمان شدن، عین نجاست در بدنش باشد که باید تطهیر نماید.

م ۲۲۵- اگر در زمان کفر لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن، در بدن او نباشد، نجس است.

م ۲۲۶- اگر کافر، شهادتین بگوید و انسان نداند که او به آنچه بر زبان آورده اعتقاد قلبی دارد یا نه، پاک است. بلکه اگر بداند اظهار اسلام او با اعتقاد قلبی نبوده، تا زمانی که قول و عمل او منافعی با اسلام نباشد پاک است.

۹) تبعیت:

م ۲۲۷- تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن نجس دیگر پاک شود.
م ۲۲۸- اگر شراب، سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب، موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می‌شود. همچنین پارچه و دری که روی آن می‌گذارند.

م ۲۲۹- فرزند نابالغ کافر پس از مسلمان شدن پدر، پاک می‌شود.

م ۲۳۰- تخته یا سنگی که میّت را روی آن، غسل می‌دهند و پارچه‌ای که با آن، عورت میّت را می‌پوشانند و دست کسی که او را غسل می‌دهد، پس از تمام شدن غسل، پاک می‌شود.

م ۲۳۱- کسی که چیزی را آب می‌کشد، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، بعد از پاک شدن آن چیز، دست او هم پاک می‌شود.

م ۲۳۲- اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل، آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته‌اند جدا شود، آبی که در آن می‌ماند پاک است.

م ۲۳۳- ظرف نجس را که با آب قلیل آب می‌کشند، پس از جدا شدن آبی که برای پاک شدن، روی آن ریخته‌اند، قطره‌های آبی که در آن می‌ماند پاک است.

(۱۰) زوال نجاست:

م ۲۳۴- اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون، یا متنجس مثل آب نجس، آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان پاک می‌شود. همچنین است باطن بدن انسان مثل داخل دهان و بینی، مثلاً اگر خونی از لثه بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن داخل دهان، لازم نیست. ولی اگر دندان مصنوعی در دهان نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.

م ۲۳۵- اگر ذرات غذا لای دندان، مانده باشد و داخل دهان، خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده، آن غذا پاک است. و اگر خون به آن برسد بنا بر احتیاط واجب نجس می‌شود و خوردن آن حرام است.

م ۲۳۶- مقداری از لب و پلک چشم که موقع بستن روی هم قرار می‌گیرد، و جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود باید آب بکشد.

م ۲۳۷- اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند، چنانچه هر دو خشک باشند نجس نمی‌شود، و اگر طوری آن را تکان بدهد که گرد و غبار نجس از آنها جدا شود، پاک می‌گردد. و اگر یکی از آنها تر باشد نجس می‌شود و باید محل را آب بکشند.

(۱۱) استبراء حیوان نجاستخوار:

م ۲۳۸- بول و غائط حیوانی که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده، نجس است و اگر بخواهند پاک شود، باید آن را استبراء کنند، یعنی تا مدتی نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به او بدهند. مدت استبراء شتر چهل روز، گاو سی روز، گوسفند ده روز، مرغابی پنج روز و مرغ خانگی سه روز می‌باشد.

م ۲۳۹- اگر حیوانی نجاستی غیر از مدفوع انسان بخورد، موجب نجاست بول و غائط و حرمت گوشت او نمی‌شود. مگر اینکه شیر خوک خورده باشد.

(۱۲) غایب شدن مسلمان:

م ۲۴۰- اگر بدن مسلمان یا چیزی مانند لباس، ظرف و فرش که در اختیار او است نجس شود و او علم به تنجس پیدا کند، و برای مدتی دیده نشود، مسلمان دیگری که او هم علم به تنجس آن‌ها داشته است، وقتی او را می‌بیند می‌تواند نسبت به بدن و اشیاء تحت تصرف او با لحاظ دو شرط حکم به طهارت کند. یکی اینکه احتمال بدهد آن را آب کشیده و تطهیر کرده است. دیگر اینکه مشاهده نماید آن را در کاری که طهارت در آن شرط است به کار می‌برد مثلاً ببیند با آن لباس نماز می‌خواند یا در آن ظرف غذا می‌خورد.

م ۲۴۱- طهارت هر چیز از چهار راه ثابت می‌شود:

(۱) خود انسان یقین کند که شیء متنجس پاک شده است.

(۲) دو عادل به طهارت آن خبر دهند.

(۳) کسی که آن چیز در اختیار او است بگوید پاک است.

(۴) مسلمانی آن را آب کشیده باشد، هرچند معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه.

م ۲۴۲- کسی که وکیل شده است لباس نجس انسان را آب بکشد (مانند لباس شویی

مسلمان مقید) اگر بگوید: آب کشیدم، آن لباس پاک است.

م ۲۴۳- کسی که وسواس دارد به گونه‌ای که در پاک شدن چیز نجس به سادگی یقین

پیدا نمی‌کند، اگر به نحو متعارف آن را آب بکشد کفایت می‌کند و یقین وسواسی اعتبار ندارد.

احکام ظرفها

م ۲۴۴- ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، نباید برای آشامیدن و خوردن، وضو و غسل مورد استفاده قرار بگیرد. ولی استفاده از آن برای کارهایی که در آنها طهارت شرط نیست مانند آبیاری زمین کشاورزی و آب دادن به حیوان، اشکال ندارد. هر چند احوط آن است که چرم آنها در هیچ مورد حتی ساخت غیرظرف مانند کفش و کیف و کمربند به کار نرود.

م ۲۴۵- خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آنها حتی برای زینت اتاق حرام است. ولی صرف نگاه داشتن آن اشکال ندارد.

م ۲۴۶- ساختن ظرف طلا و نقره، گرفتن اجرت ساخت و خرید و فروش آن جایز است.
م ۲۴۷- اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره به آن نگویند، همچنین ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، استعمال آن مانعی ندارد.

م ۲۴۸- اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد اجتناب از حرام در ظرف دیگر بریزد، این استعمال جایز است و می‌تواند از ظرف دوم غذا بخورد.

م ۲۴۹- آنچه عنوان ظرف نداشته باشد مانند گیره استکان، قاب قرآن و زیورآلات زنانه، اگر از طلا یا نقره باشد، استعمال آن اشکال ندارد. ولی از استعمال عطردان و سرمه دان طلا یا نقره بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کرد.

م ۲۵۰- خوردن و آشامیدن از ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری به مقدار رفع ضرورت، همچنین استعمال آن برای وضو و غسل در حال تقیه اشکال ندارد.

م ۲۵۱- استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره ساخته شده یا از فلز دیگر، اشکال ندارد.



افعال وضوء

- مسألة ۲۵۲-** در وضو پنج عمل واجب است: ۱- شستن صورت، ۲- شستن دست راست، ۳- شستن دست چپ، ۴- مسح سر، ۵- مسح پاها
- م ۲۵۳-** صورت از بالای پیشانی یعنی محل روییدن موی سر تا پایین چانه، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شسته شود، و اگر چیزی از این مقدار را نشوید، وضو باطل است. برای حصول اطمینان کمی اطراف آن را نیز بشوید.
- م ۲۵۴-** اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از حد متعارف باشد، باید ملاحظه کند مردم معمولی چه مقدار از صورت خود را می‌شویند. همچنین اگر محل رویش موی سر او بالاتر یا پایین‌تر از حد معمول باشد باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید.
- م ۲۵۵-** هنگام شستن صورت و دستها آب باید به پوست برسد. بنابراین اگر مانعی باشد باید برطرف نماید. اگر احتمال دهد چیزی در گوشه چشم و لب او باشد که مانع رسیدن آب به پوست است، باید بررسی و مرتفع سازد.

م ۲۵۶- اگر ریش کوتاه باشد به گونه‌ای که پوست صورت پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند. ولی اگر ریش بلند باشد به طوری که پوست صورت پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست. در صورت شک آب را به پوست برساند.

م ۲۵۷- شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست. ولی باید یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده است.

م ۲۵۸- پس از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید. برای حصول یقین مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

م ۲۵۹- اگر کسی دستش قطع باشد چنانچه از مرفق و بالاتر قطع باشد، شستن آن برای وضو ساقط است. ولی اگر از پائین آرنج قطع باشد، باید مقدار باقیمانده را بشوید. و دست دیگر را می‌تواند به نحو ارتماس بشوید، مثل اینکه زیر شیر بگیرد یا در ظرف آب فرو برد.

م ۲۶۰- باید صورت و دست از بالا به پایین شسته شود. اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

م ۲۶۱- اگر دست را تر کند و به صورت و دست‌ها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه‌ی کشیدن دست، آب کمی بر آن‌ها جاری شود کافی است.

م ۲۶۲- کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، برای وضو باید تا سر انگشتان را بشوید. اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.

م ۲۶۳- در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه‌ی اول واجب، مرتبه‌ی دوم مستحب و مرتبه‌ی سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد. صدق هر مرتبه تابع قصد کسی است که وضو می‌گیرد. پس اگر به قصد شستن مرتبه‌ی اول چند بار آب به صورت بریزد اشکال ندارد، و همه‌ی آن‌ها شستن اول حساب می‌شود. ولی اگر به قصد این که سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد، مرتبه‌ی سوم آن، حرام است.

م ۲۶۴- پس از شستن هر دو دست، باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، بنابر احتیاط واجب باید کف دست راست را بر جلوی سر بکشد و لازم نیست از بالا به پایین مسح نماید، هر چند موافق احتیاط است. چنانچه کسی دست چپ خود را سه بار بشوید، مسح او صحیح نیست و وضویش باطل می‌شود.

م ۲۶۵- یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است، جای مسح می‌باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، اگر چه احوط آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

م ۲۶۶- لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، باید فرق سر را باز کرده، پوست سر یا بیخ موها را مسح نماید. و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی پشت سر که جلوی آمده، مسح کند باطل است.

م ۲۶۷- پس از مسح سر، باید با تری آب وضو که در دست مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند و احتیاط واجب مسح تا مفصل است.

م ۲۶۸- پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است. ولی احتیاط آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته باشد و افضل آن است که با تمام کف دست، تمام روی پا را مسح کند.

م ۲۶۹- احتیاط واجب آن است که مسح پای راست مقدم بر مسح پای چپ باشد. همچنین پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

م ۲۷۰- در مسح سر و روی پا، باید دست را روی آن‌ها بکشد. اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است. ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد، سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

م ۲۷۱- جای مسح، باید خشک باشد. اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، مسح باطل است. ولی تری کم که پس از مسح بگویند رطوبت ظاهر اثر مسح است اشکال ندارد.

م ۲۷۲- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، فقط می‌تواند از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

م ۲۷۳- اگر رطوبت کف دست، فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت، مسح کند، و برای مسح پاها، از اعضاء دیگر وضو، رطوبت بگیرد.

م ۲۷۴- مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است. ولی اگر به واسطه‌ی سرمای

شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، بنا بر احتیاط واجب بر آن مسح بکشد و تیمم کند.

م ۲۷۵- اگر روی پا، نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم نماید.

وضوی ارتماسی

م ۲۷۶- انسان می‌تواند صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا پس از فرو بردن به قصد وضو از آب بیرون آورد. این را وضوی ارتماسی گویند.

م ۲۷۷- در وضوی ارتماسی نیز باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود. پس اگر هنگام فرو بردن صورت و دستها در آب قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد. و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

م ۲۷۸- مسح سر و پا در وضوی ارتماسی نیز با رطوبت باقیمانده دست است.

م ۲۷۹- اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را ترتیبی انجام دهد، اشکال ندارد.

مستحبات وضو

م ۲۸۰- چند چیز در وضو مستحب است:

- (۱) بسم‌الله الرحمن الرحیم.
- (۲) شستن دو دست تا مچ پیش از وضو.
- (۳) مسواک زدن.
- (۴) مضمضه کردن یعنی آب را در دهان گرداندن.
- (۵) استنشاق یعنی آب را در بینی فرو بردن و بیرون آوردن.
- (۶) باز نگه داشتن پلکها و رسانیدن آب به آنها هنگام شستن صورت.
- (۷) مردان برای شستن دستها، بار اول آب را به پشت آرنج و بار دوم به باطن آن بریزند و زنان عکس آن عمل نمایند.

۸) خواندن دعای مخصوص هنگام شستن و مسح کشیدن هر یک از اعضای وضو.
 م ۲۸۱- کسی که وضو می‌گیرد مستحب است هنگامی که نگاهش به آب می‌افتد بگوید:
 «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ - وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا» موقعی که پیش از
 وضو دست خود را می‌شوید، بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»
 هنگام مضمضه بگوید: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ» هنگام استنشاق
 بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رُوحَهَا وَ طيبَهَا»
 در موقع شستن صورت بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي
 يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ»
 هنگام شستن دست راست بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ
 بَيْسَارِي وَ حَاسِبِي حِسَابًا يَسِيرًا»
 هنگام شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَ لَا
 تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيِّرَانِ»
 موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ»
 در وقت مسح پا بخواند: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي
 مَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ».
 و چون وضویش تمام شد بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ
 اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

شرایط وضو

شرایط صحت وضو سیزده چیز است:

شرط اول: آب وضو پاک باشد. **شرط دوم:** مطلق باشد.

م ۲۸۲- وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد. اگر با آن وضو نماز خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

م ۲۸۳- اگر غیر از آب گل آلود مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمم کند، و اگر وقت دارد باید صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم: آب وضو و فضائی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد.

م ۲۸۴- وضو با آب غصبی و با آبی که رضایت صاحبش معلوم نیست حرام و باطل است، ولی اگر قبلاً راضی بوده و انسان نمی‌داند که از رضایتش برگشته یا نه، وضو صحیح است. هم‌چنین اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، چنانچه تصرف در جای غصبی باشد و یا مستلزم تصرف باشد، وضوی او باطل است.

م ۲۸۵- وضو گرفتن از آب مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن را برای همه‌ی مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند اشکال ندارد.

م ۲۸۶- کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر بداند آب مسجد وقف خاص نمازگزاران آن مسجد است یا اگر نداند وقف عام است یا خاص، وضوء گرفتن او با آب مسجد صحیح نیست. ولی اگر معمولاً افراد آگاه به مسأله آنجا وضوء می‌گیرند و در آن مسجد نماز نمی‌خوانند، وضوی او با آب مسجد صحیح است.

م ۲۸۷- وضوء گرفتن در مسافرخانه برای کسی که در آنجا سکونت ندارد با علم به رضایت مالک صحیح است. بنابراین اگر مشاهده کند غیرساکتین در آنجا وضو می‌گیرند بدون اینکه کسی مانع و معترض بشود کافی است.

م ۲۸۸- وضو گرفتن در نه‌رهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است،

اشکال ندارد. ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا بداند مالک راضی نیست، احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرد.

م ۲۸۹- اگر فراموش کند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد، صحیح است. مگر اینکه خودش آن را غصب کرده باشد.

م ۲۹۰- اگر کسی ظرف آبی را به خیال اینکه متعلق به او است بردارد و با آن وضو بگیرد. سپس پی ببرد که ظرف آب متعلق به دیگری بوده است، وضویش صحیح است. ولی اگر آب مصرفی بهایی دارد ضامن است و باید تدارک نماید.

شرط چهارم: ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم: ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

م ۲۹۱- اگر آب در ظرف غصبی یا ظرف طلا و نقره باشد، وضو با آن آب حرام و باطل است. هر چند ارتماسی نباشد. اگر آب دیگری ندارد باید تیمم کند. ولی اگر آب را در ظرف دیگری بریزد یا با مشت یا ظرف کوچکتر از آن بردارد و وضو بگیرد صحیح است.

م ۲۹۲- اگر کسی در حوضی که فقط یک آجر یا یک سنگ یا شیر یا لوله آب آن غصبی است وضو بگیرد، اگر وضوی او در نظر عرف تصرف در غصب باشد باطل است.

م ۲۹۳- اگر در صحن مزار امام یا امامزاده‌ای که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد.

شرط ششم: پاک بودن اعضای وضو

م ۲۹۴- اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن باید پاک باشد. اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.

م ۲۹۵- اگر جایی از بدن غیر از اعضای وضو نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد، احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.

م ۲۹۶- اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آن

را آب کشیده یا نه، چنانچه هنگام وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آن جا نبوده، وضو باطل است. و اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد ملتفت بوده، وضو صحیح است. در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.

م ۲۹۷- اگر در صورت یا دست بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد یا زیر شیر آب بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم: وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد.

م ۲۹۸- هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام یا مقداری از واجبات نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند. ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد.

م ۲۹۹- کسی که به خاطر ضیق وقت وظیفه‌اش تیمم است، اگر برای نماز وضو بگیرد، باطل است. ولی اگر به قصد دیگر مانند قرائت قرآن وضو بگیرد صحیح است.

شرط هشتم: قصد قربت

م ۳۰۰- انسان باید برای انجام فرمان خدا وضو بگیرد. پس اگر برای خنک شدن یا تمیز شدن وضو بگیرد باطل است.

م ۳۰۱- لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند. ولی باید متوجه باشد که وضو می‌گیرد؛ به طوری که اگر از او پرسند چه می‌کنی؟ بگوید وضو می‌گیرم.

شرط نهم: ترتیب

م ۳۰۲- اعمال وضو باید به ترتیب انجام شود. یعنی اول صورت، بعد دست راست، سپس دست چپ را بشوید و پس از آن به ترتیب سر، پای راست و پای چپ را مسح کند. اگر این ترتیب رعایت نشود وضو باطل است. هر چند رعایت ترتیب در مسح پاها بنا بر احتیاط است.

شرط دهم: موالات

م ۳۰۳- کارهای وضو را باید پشت سر هم انجام دهد. اگر بین کارهای وضو به قدری

فاصله شود که وقتی می‌خواهد عضو بعدی را بشوید یا مسح کند عضو قبلی خشک شده باشد، وضو باطل است.

م ۳۰۴- اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن یا وزش باد، رطوبت خشک شود، وضوی او صحیح است.

م ۳۰۵- راه رفتن دربین وضو اشکال ندارد. پس اگر پس از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم: مباشرت

م ۳۰۶- اعمال وضو باید توسط خود انسان انجام شود. اگر دیگری او را وضو دهد، یا در شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

م ۳۰۷- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد باید نایب بگیرد که او را وضو دهد. هر چند مستلزم پرداخت اجرت باشد. ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، اگر نمی‌تواند باید نایب دست او را بگیرد و به سر و پای او بکشد. اگر این هم ممکن نیست باید از دست منوب عنه رطوبت بگیرد و مسح او را انجام دهد. و احتیاط واجب در صورت امکان آن است که تیمم هم بنماید.

م ۳۰۸- هر کدام از کارهای وضو را می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

شرط دوازدهم: استعمال آب برای او ضرر نداشته باشد.

م ۳۰۹- کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد، مریض شود یا تشنه بماند، وظیفه‌اش تیمم است. ولی اگر پس از وضو بفهمد آب برایش ضرر داشته، وضویش صحیح است.

م ۳۱۰- اگر آب به مقدار کم که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد و بیش از آن که ضرر دارد مصرف نکند. همچنین اگر آب سرد ضرر دارد، باید با آب گرم وضو بگیرد و تیمم صحیح نیست.

شرط سیزدهم: در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

م ۳۱۱- اگر می‌داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

م ۳۱۲- اگر زیر ناخن که به اندازه متعارف است چرک باشد، وضو اشکال ندارد. ولی اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد یا آن را کوتاه کند باید برای وضو، چرک برطرف شود.

م ۳۱۳- اگر قسمتی از اعضای وضو به واسطه‌ی سوختن یا آسیب دیدن متورم شود یا تاول بزند، شستن و مسح روی آن کافی است. و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست. بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند. ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود باید آن را جدا کند یا آب را به زیر آن برساند.

م ۳۱۴- اگر انسان شک کند به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، مثل آن که شک پس از گچ‌کاری یا رنگ‌آمیزی باشد، باید واریسی کند یا به اندازه‌ای دست بر روی آن بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده برطرف شده، یا آب به زیر آن رسیده است.

م ۳۱۵- آنچه روی اعضای وضو باشد اگر مانع رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد. ولی اگر مانع باشد یا شک در مانعیت داشته باشد، باید آن را بر طرف نماید.

م ۳۱۶- اگر پیش از وضو بداند در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند هنگام وضو آب را به آن جا رسانده یا نه، در صورت عدم علم به غفلت وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند موقع وضو ملتفت مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد.

م ۳۱۷- اگر در بعضی اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد، چنانچه انسان پس از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، در صورت عدم التفات بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.

م ۳۱۸- اگر پس از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند هنگام وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.

م ۳۱۹- اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا

نه، وضو صحیح است.

م ۳۲۰- اگر کسی هنگام وضو انگشتر یا دستبند در دست داشته باشد، چنانچه مانع رسیدن آب به دست نباشد اشکال ندارد. ولی اگر چنان چسبیده باشد که مانع باشد باید در بیاورد یا با جا به جا کردن آن، آب را به زیر آن برساند.

احکام شک در وضو

م ۳۲۱- کسی که در افعال یا شرایط وضو مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می کند باید به شک خود اعتنا نکند.

م ۳۲۲- اگر کسی که وضو داشته، شک کند وضویش باطل شده یا نه، بنا بگذارد بر اینکه وضو دارد. اگر وضو نداشته و شک کند وضو گرفته یا نه، بنا بگذارد که وضو ندارد.

م ۳۲۳- اگر انسان پس از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی اعضای وضو را نشسته یا مسح نکرده است، چنانچه رطوبت عضو قبلی خشک شده باشد باید دوباره وضو بگیرد. ولی اگر رطوبت باقی است باید عضو فراموش شده و اعضای بعدی را بشوید یا مسح کند.

م ۳۲۴- کسی که می داند وضو گرفته و حدثی هم از او سرزده، مثلاً بول کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، باید وضو بگیرد. و اگر در بین نماز یا پس از آن متوجه شود باید نماز خود را اعاده نماید.

م ۳۲۵- اگر پس از نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است. ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد. اگر در بین نماز شک کند، نمازش باطل است.

م ۳۲۶- اگر کسی پس از نماز بفهمد وضویش باطل شده، ولی نداند عروض حدث بعد از نماز بوده یا قبل از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

غایات وضو

م ۳۲۷- وضو برای چهار چیز واجب است:

(۱) نماز واجب غیر از نماز میّت. (۲) سجده و تشهد فراموش شده.

(۳) طواف واجب خانه کعبه. (۴) مس خط قرآن.

- م ۳۲۸-** هرگاه قرآن نجس شود یا در جایی بیفتد که هتک باشد، باید فوراً آن را بیرون بیاورد و تطهیر نماید. چنانچه برای عمل به وظیفه مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضو بگیرد. ولی اگر تأخیر به مقدار وضو، بی احترامی به قرآن باشد باید بدون وضو اقدام نماید و در حد امکان از دست گذاشتن بر خط قرآن خودداری کند.
- م ۳۲۹-** مس نمودن خط قرآن، و تماس بدن با آن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. ولی مس ترجمه قرآن اشکال ندارد.
- م ۳۳۰-** جلوگیری بچه و دیوانه از تماس با خط قرآن واجب نیست. ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری شود.
- م ۳۳۱-** مس اسماء خداوند متعال بدون وضو حرام است به هر زبانی باشد. درخصوص اسامی چهارده معصوم علیهم السلام احتیاط ترک نشود.
- م ۳۳۲-** اگر پیش از وقت نماز به قصد طهارت وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است و اگر نزدیک وقت نماز به قصد مهیا شدن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.
- م ۳۳۳-** کسی که یقین دارد وقت داخل شده، اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.
- م ۳۳۴-** وضو در چند مورد مستحب است. نماز میّت، زیارت اهل قبور، رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام، همراه داشتن قرآن، خواندن و نوشتن آن، مسّ حاشیه قرآن، سجده قرآن، خوابیدن، شب عروسی و تجدید وضو. اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد، مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند.

مبطلات وضو

- م ۳۳۵-** هفت چیز وضو را باطل می کند: ۱- بول ۲- غائط ۳- باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. ۴- خواب ۵- مستی و بیهوشی ۶- استحاضه ۷- هر کاری که موجب غسل باشد. مانند جنابت، حیض و نفاس.
- م ۳۳۶-** اگر خواب به گونه ای باشد که چشم نبیند، گوش هم نشنود، وضو باطل می شود.

اما اگر چشم نبیند، ولی گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.
م ۳۳۷- اگر انسان وضو بگیرد و بعد دچار جنون شود یا به واسطه شرب خمر حالت مستی پیدا کند یا بر اثر اصابت ضربه یا استنشام یا تزریق بیهوش گردد، وضویش باطل است و هنگامی که به حالت عادی برگشت باید برای نماز وضو بگیرد.

مسلس و مبطلون

م ۳۳۸- اگر انسان مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، چنانچه می‌داند به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن در وقت مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در همان وقت انقطاع به جا آورد. هر چند لازم باشد به واجبات بسنده نماید.

م ۳۳۹- اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز چند دفعه بول یا غائط از او خارج می‌شود، یک وضو برای نماز کافی است. هر چند اگر تکرار وضو در بین نماز برایش مشقت شدید نداشته باشد، بنابر احتیاط باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر نوبت تجدید وضو کند و بقیه نماز را بخواند. اگر تجدید وضو در بین نماز مستلزم فعل کثیر باشد، بنابر احتیاط نمازش را با یک وضو نیز اعاده نماید.

م ۳۴۰- کسی که بول یا غائط او پی در پی خارج می‌شود می‌تواند دو نمازش را به صورت جمع با یک وضو بجا آورد. هر چند بهتر است احتیاطاً برای هر نماز یک وضو بگیرد. ولی برای به جا آوردن نماز احتیاط یا سجده و تشهد فراموش شده، تجدید وضو لازم نیست.

م ۳۴۱- مسلس و مبطلون لازم نیست پس از وضو فوراً مشغول نماز شود، مگر بتواند مقداری از نماز و لو یک رکعت را با وضو به جا آورد.

م ۳۴۲- فرد مبتلا باید برای نماز به وسیله کیسه پلاستیکی یا چیز دیگر از سرایت بول و غائط جلوگیری کند، و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج را آب بکشد.

م ۳۴۳- بر فرد مبتلا به این بیماری واجب است در صورتی که بیماری او قابل درمان است و مشقت زیاد و خوف ضرر ندارد، خود را معالجه نماید.

م ۳۴۴- پس از بهبودی لازم نیست نمازهایی را که هنگام بیماری مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر وقت نماز باقی است باید نمازش را دوباره بخواند.

م ۳۴۵- کسی که نمی‌تواند از خارج شدن باد معده یا روده از مقعد جلوگیری کند، باید به وظیفه‌ی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند عمل نماید.

وضوی جبیره

م ۳۴۶- چیزی که با آن عضو زخمی و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود. و در وضو باید دست تر بر روی آن کشیده شود.

م ۳۴۷- اگر در یکی از اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت. و اگر ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و با دست تر بر آن بکشد. اگر رطوبت هم برایش ضرر دارد، پارچه پاک روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه بکشد. در مسح سر و پا هم همین‌طور عمل نماید. اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است، اگر جبیره در دست و صورت است باید اطراف آن را از بالا به پایین بشوید و اگر در سر و پا است، و محل مسح را فرا گرفته، مسح ساقط است. بنابر احتیاط واجب در فرض اخیر تیمم هم بنماید.

م ۳۴۸- اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد و بتوان روی آن را بدون مشقت بازکرد، اگر آب برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها. ولی اگر ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، باید دست تر روی آن بکشد.

م ۳۴۹- هرگاه برداشتن جبیره ممکن نباشد، اگر زخم و جبیره پاک است و رساندن آب به زخم ضرر و مشقت ندارد، باید آب را به روی زخم برساند. اگر نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم بدون مشقت ممکن باشد باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند. ولی در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا رساندن آب به روی زخم ممکن نیست، باید اول اطراف زخم را بشوید، سپس اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند، و اگر جبیره نجس است پارچه‌ی پاک روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

م ۳۵۰- اگر جبیره، تمام صورت یا تمام دست را فرا گرفته باشد وضوی جبیره‌ای کافی است. هر چند جبیره مواضع تیمم را فرا نرفته باشد. ولی اگر تمام اعضای وضو را گرفته باشد،

بنابر احتیاط واجب باید تیمم هم بنماید.

م ۳۵۱- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.

م ۳۵۲- اگر جبیره تمام روی پا را گرفته باشد و تنها مقداری از انگشتان و بالای پا باز باشد، باید روی پا و روی جبیره را مسح کند.

م ۳۵۳- اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و با رطوبت دست بر روی جبیره‌ها بکشد.

م ۳۵۴- اگر جبیره بیش از اندازه معمول اطراف زخم را گرفته باشد، اگر برداشتن تمام جبیره ممکن است و مشقت ندارد، باید بردارد و وضو بگیرد. اگر تنها برداشتن جبیره اضافی میسر است آن را بردارد و وضوی جبیره‌ای بگیرد. اگر این هم ممکن نیست بنابر احتیاط واجب باید هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم کند.

م ۳۵۵- اگر در اعضای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند.

م ۳۵۶- اگر جایی از اعضای وضو بریده باشد و نتواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد، باید به دستور جبیره عمل کند. اگر خونش بند نیاید و نتواند آن را بشوید، باید تیمم کند.

م ۳۵۷- اگر در جای وضو یا غسل چیزی مثل قیر چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نیست، یا مشقت غیرقابل تحمل دارد، باید به دستور جبیره عمل کند.

م ۳۵۸- احکام غسل جبیره‌ای مانند وضوی جبیره‌ای است. غسل ترتیبی در مورد جبیره بهتر است.

م ۳۵۹- کسی که وظیفه‌ی او تیمم است، اگر در بعضی اعضای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید تیمم جبیره‌ای بگیرد.

م ۳۶۰- کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخواند، چنانچه بداند تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود، می‌تواند اول وقت نماز بخواند. ولی اگر امید دارد تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که به تأخیر بیندازد. پس اگر عذر او برطرف نشد آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره‌ای به جا آورد. اگر ناامید بود و اول وقت نماز خواند و آخر وقت

عذر برطرف شد، اعاده لازم نیست.

م ۳۶۱- اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهد و احتیاطاً تیمم هم بنماید. ولی اگر به خاطر چشم درد آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند.

م ۳۶۲- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.

م ۳۶۳- نماز که با وضوی جبیره‌ای خوانده شده، صحیح است و اعاده ندارد. ولی پس از رفع عذر باید برای نماز بعد وضو بگیرد، هر چند وضوی جبیره‌ای او باطل نشده باشد.

احکام غسل

اسباب غسل

مسألة ۳۶۴- اسباب وجوب غسل شش چیز است: (۱) جنابت. (۲) حیض. (۳) نفاس. (۴) استحاضه. (۵) مس میت. (۶) موت.

م ۳۶۵- غسل جز مورد اخیر، در بقیه موارد وجوب شرعی نفسی ندارد. بلکه برای انجام کارهایی که طهارت در آنها شرط است واجب می شود.

احکام جنابت

م ۳۶۶- انسان به دو چیز جنب می شود:

(۱) آمیزش جنسی، (۲) خروج منی، در خواب یا بیداری، کم یا زیاد، با اختیار یا بی اختیار.

م ۳۶۷- اگر رطوبتی از مرد خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و موجب سستی بدن شده، حکم منی دارد. اگر با شهوت و جستن نباشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است و جستن و سست شدن لازم نیست.

م ۳۶۸- مستحب است مرد پس از بیرون آمدن منی ادرار کند. اگر نکند و پس از غسل رطوبتی از او بیرون آید بنابر مشهور حکم منی دارد و اعاده غسل بر او واجب است. هر چند بعید نیست وضو کافی باشد و بنابر احتیاط واجب غسل کند. لیکن اکتفاء به غسل بدون وضو خلاف احتیاط است.

م ۳۶۹- در آمیزش جنسی اگر به اندازه ختنه‌گاه داخل شود، هر چند از عقب باشد هر دو جنب می‌شوند، اگر چه منی بیرون نیاید. فرقی بین بالغ و نابالغ، عاقل و مجنون نیست.

م ۳۷۰- اگر در دخول به مقدار ختنه‌گاه شک کنند، غسل واجب نمی‌شود.

م ۳۷۱- وطی با حیوان نیز موجب غسل است، هر چند منی بیرون نیاید.

م ۳۷۲- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

م ۳۷۳- کسی که نمی‌تواند غسل کند، ولی تیمم برایش ممکن است، می‌تواند با همسر خود نزدیکی کند، هر چند پس از دخول وقت نماز باشد.

م ۳۷۴- اگر در لباس خود منی ببیند و بداند از خود او است و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد در حالت جنابت خوانده قضا کند. ولی نمازهایی را که شک دارد پس از خروج منی خوانده، لازم نیست قضا نماید.

محرمات جنابت

م ۳۷۵- پنج چیز بر شخص جنب حرام است:

(۱) رساندن جائی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا، به هر لغتی باشد. در خصوص نام پیامبران و امامان علیهم السلام، احتیاط ترک نشود.

(۲) رفتن در مسجد الحرام و مسجد النبی، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

(۳) توقف در مساجد دیگر و حرم امامان علیهم السلام، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد.

(۴) گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون در باشد.

(۵) قرائت آیات سجده که عبارت است از:

الف - آیه ۱۵ سوره ۳۲ (الم تنزیل)، ب - آیه ۳۸ سوره ۴۱ (حم سجده)،
ج - آیه ۶۲ سوره ۵۳ (نجم)، د - آیه ۱۹ سوره ۹۶ (علق)
م ۳۷۶- قرائت هریک از آیات سجده هر چند یک کلمه آن حرام است. ولی قرائت بقیه
آیات این چهار سوره، حکم بقیه سوره‌ها را دارد. هر چند رعایت احتیاط مطلوب است.
م ۳۷۷- مس آرم جمهوری اسلامی ایران که نقش الله است - و پرچم و بعضی سربرگ‌ها
و اسکناس‌ها مزین به آن است - بر جنب و حائض حرام و معصیت است و برای دیگران نیز
بنابر احتیاط بدون وضو جایز نیست.

مکروهات جنابت

- م ۳۷۸- نه چیز بر شخص جنب مکروه است:
- ۱- خوردن و آشامیدن، اگر وضو بگیرد یا دستها را بشوید، مکروه نیست.
 - ۲- قرائت بیش از هفت آیه.
 - ۳- همراه داشتن قرآن
 - ۴- تماس جایی از بدن با جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن.
 - ۵- خوابیدن، مگر وضو بگیرد.
 - ۶- خضاب و رنگ کردن به حنا و مانند آن.
 - ۷- مالیدن روغن و کرم به بدن.
 - ۸- آمیزش پس از احتلام.
 - ۹-

غسل جنابت

- م ۳۷۹- غسل جنابت فی حد نفسه برای رفع حالت قذارت روحی و حصول طهارت باطنی
مستحب است و برای واجبات مشروط به طهارت مانند نماز و طواف واجب، واجب می‌شود.
ولی برای نماز میّت، سجده شکر و سجده واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.
م ۳۸۰- لازم نیست انسان در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم.
بلکه اگر به قصد قربت و انجام فرمان خدا غسل کند کافی است.
م ۳۸۱- اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند، بعد بفهمد پیش از وقت
غسل کرده، غسل او صحیح است.
م ۳۸۲- غسل واجب یا مستحب را به دو قسم می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.

غسل ترتیبی

م ۳۸۳- در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد بدن را بشوید و بنابر احتیاط واجب طرف راست را بر طرف چپ مقدم بدارد. اگر به طور عمدی یا به خاطر فراموشی یا ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است.

م ۳۸۴- برای حصول اطمینان بهتر است هنگام شستن طرف راست بدن تمام طرف راست گردن و قسمتی از طرف چپ شامل تمام ناف و عورت، و هنگام شستن طرف چپ تمام طرف چپ گردن و مقداری از طرف راست را بشوید.

م ۳۸۵- اگر پس از انجام غسل بفهمد جایی از بدن شامل سر و گردن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند.

م ۳۸۶- اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، شستن همان مقدار کافی است. بنابر احتیاط واجب چنانچه از طرف راست باشد باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. اگر بفهمد مقداری از سر و گردن را نشسته، باید بعد از شستن آن مقدار، بدن را بشوید و احتیاط را در تقدیم طرف راست بر چپ رعایت نماید.

م ۳۸۷- اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، باید همان مقدار را بشوید. ولی اگر بعد از اشتغال به طرف چپ، در شستن طرف راست یا مقداری از آن شک کند، بنابر احتیاط باید اول آن مقدار طرف راست، و سپس طرف چپ را بشوید. اما اگر بعد از اشتغال به شستن طرف راست، در شستن سر و گردن یا مقداری از آن شک نماید نباید اعتنا کند و غسل صحیح است.

غسل ارتماسی

م ۳۸۸- در غسل ارتماسی باید آب تمام بدن را فرا بگیرد. پس اگر به نیت غسل ارتماسی یکباره یا به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل صحیح است.

م ۳۸۹- در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و نیت غسل کند، کفایت می‌کند و نیازی به حرکت دادن بدن نیست. ولی کف پا را باید به اندازه‌ای از زمین بردارد که آب به

زیر آن برسد.

م ۳۹۰- اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

م ۳۹۱- اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی انجام دهد.

م ۳۹۲- کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی‌تواند غسل ارتماسی به‌جا آورد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است و موجب بطلان روزه و کفاره احرام نمی‌شود.

احکام غسل

م ۳۹۳- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد. ولی در غسل ترتیبی اگر بدن نجس باشد، هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است.

م ۳۹۴- نجس بودن عرق جنب از حرام محل اشکال است. بنابراین کسی که از حرام جنب شده، غسل او با آب گرم صحیح است هر چند عرق کند. به ویژه اگر پیش از غسل عرق کرده باشد. ولی بهتر است با آبی غسل کند که عرق نکند.

م ۳۹۵- اگر جایی از بدن - هر چند بسیار کم - شسته نشود، غسل باطل است. ولی شستن باطن مانند داخل گوش و بینی لازم نیست. سوراخ جای گوشواره و مانند آن را اگر به اندازه‌ای گشاد باشد که داخل آن دیده شود، همچنین جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن، باید بشوید.

م ۳۹۶- هر چیزی که مانع رسیدن آب به بدن است، هنگام غسل باید برطرف شود و بدون یقین به رفع مانع، غسل ارتماسی باطل است. در غسل ترتیبی باید طبق وظیفه عمل نماید و پیش از شستن هر عضو از آن رفع مانع کند.

م ۳۹۷- اگر هنگام غسل شک کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

- م ۳۹۸-** در غسل موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود، باید بشوید. ولی شستن موهای بلند واجب نیست. بلکه رساندن آب به پوست کافی است.
- م ۳۹۹-** تمام شرائط صحت وضو مانند پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در غسل نیز باید لحاظ شود. مگر دو چیز: یکی اینکه در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پائین بشوید. بنابراین اگر دست را بالای سر ببرد و آب از سر انگشتان به طرف کتف جاری شود اشکال ندارد. دیگر اینکه در غسل موالات شرط نیست و لازم نیست پس از شستن هر قسمت بلافاصله قسمت بعدی شسته شود. مگر کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند و تنها فرصت غسل و نماز دارد، او باید اعضاء غسل را بدون فاصله بشوید و فوراً نماز بخواند. همچنین مستحاضه که حکم آن خواهد آمد.
- م ۴۰۰-** کسی که قصد دارد پول حمامی را نهد یا بدون علم به رضایت او نسیه بگذارد، یا بخواهد از مال حرام وجه آن را بپردازد، غسل او باطل است.
- م ۴۰۱-** اگر کسی برای غسل بیش از حد متعارف آب مصرف کند در صورتی غسل او صحیح است که یا پیش از آن از حمامی یا صاحب هتل اجازه گرفته باشد یا پس از غسل - ولو با پرداخت پول بیشتر - رضایت او را جلب نماید.
- م ۴۰۲-** اگر شک کند غسل کرده یا نه، باید غسل کند. ولی اگر بعد از غسل شک کند غسل او درست بوده یا نه، لام نیست دوباره غسل نماید.
- م ۴۰۳-** اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند، مثلاً ادرار کند، غسل باطل نمی‌شود. ولی برای نماز باید وضو بگیرد.
- م ۴۰۴-** اگر کسی گمان کند به اندازه غسل و نماز وقت داد و پس از غسل بفهمد به خاطر ضیق وقت وظیفه‌اش تیمم بوده است، اگر به قصد مطلق طهارت غسل کرده باشد صحیح است. ولی اگر به قصد نماز غسل کرده باشد، چنانچه حداقل به اندازه یک رکعت نماز وقت داشته باشد غسل او صحیح، وگر نه باطل است.
- م ۴۰۵-** کسی که جنب شده، اگر شک کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده صحیح است. ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.
- م ۴۰۶-** کسی که چند غسل بر او واجب است، یک غسل به نیت همه کافی است.

م ۴۰۷- کسی که جنب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد و اگر بخواهد غسل کند باید بدون اینکه دست بر نوشته بگذارد، آب را به بدن برساند.

م ۴۰۸- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد. بلکه با هر غسل واجب (غیر از استحاضه متوسطه) یا غسل مستحب قطعی مانند غسل جمعه می‌تواند بدون وضو نماز بخواند. هر چند احتیاط مستحب وضو گرفتن است.
